

«قفقاز» مسئولیتی که تهران از آن دست نمی‌کشد

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: روابط ایران و جمهوری آذربایجان در سال‌های گذشته با فراز و فرودهایی همراه بوده‌است که بخش مهمی از آن ریشه در جهت‌گیری‌های ضدایرانی و ضدشیعی دارد؛جهت‌گیری‌هایی که در رفتار برخی مقامات و رسانه‌های رسمی باکو آشکار است. این رویکرد نامطلوب بیش از آنکه ناشی از اختلافات دوجانبه باشد، تابع تلاش‌هایی است که در چارچوب محاسبات ژئوپلیتیک و مهندسی هویتی انجام می‌شود تا نقش باکو در مدار مطلوب تِل آویو و واشینگتن تعریف شود. با این حال، این رفتارها هرگز موجب نشدند جمهوری آذربایجان در نگاه ایران اهمیت خود را از دست بدهد. رویکرد تهران به قفقاز، رویکردی فرادولتی است که بر پایه تاریخ، فرهنگ و تمدن مشترک در منطقه شکل گرفته و طبیعتاً فراتر از دولت‌های منطقه‌ای، متوجه مردم جمهوری آذربایجان است. همین پیوندهای ریشه‌دار سبب شده‌به‌غم تلاش‌هایی که برای کمرنگ‌سازی هویت مشترک انجام شده، جامعه آذربایجان همچنان نزدیک‌ترین پیوندهای فرهنگی و تاریخی را با ایران حفظ کند. همین درک عمیق تاریخی باعث شده تهران به‌غم ناملایمات و رفتارهای تنش‌زای دولت باکو، روابط میان دو طرف را از سر مسئولیت‌پذیری و بزرگ‌منشانه حفظ کند. از این منظر، مناسبات تهران با باکو صرفاً در سطح روابط دولت‌ها تعریف نمی‌شود و نمی‌توان آن را به تعاملات سیاسی محدود کرد. از سوی دیگر ایران و جمهوری آذربایجان ظرفیت‌های متعدد و قابل‌توجهی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و سیاسی برای همکاری دارند که می‌تواند مبنای گسترش روابط قرار بگیرد اما متأسفانه طی سال‌های اخیر عمدتاً با تصمیمات دولت باکو در وضعیت محدود باقی مانده‌اند.

ویرانی از ۱۹۶۷ شروع شده ۱۷اکتبر

روزنامه همشهری نوشت: جنگ و ویرانی در غزه از صبح ۱۹۴۸ بااز یازگشت؛ سالی که فلسطین اشغال شد. این ویرانی در باریکه کوچک غزه از ۱۹۶۷ و بعداز جنگ شش روزه به‌اوج خود رسید. ایلان پاپه، یکی از مورخان و نویسندگان معروف اسرائیلی کتابی درباره مصائب غزه دارد.او در نوشته خود به این‌موضوع اشاره می‌کند که مردم غزه سال‌هاست در یک پادگان بزرگ قرار دارند. تحریم، بیکاری، گرسنگی، نداشتن امنیت و ممنوعیت عبور و مرور سال‌هاست که گریبان مردم این باریکه را فاش‌ترده است، آن‌هاقبل از ۱۷اکتبر زیر بمباران فشارهای تحریم و دارو و خیلی موارد دیگر بودند. روزانه ۴هزار کارگر از غزه به سرزمین‌های اشغالی کوچ می‌کنند؛ فقط برای به‌دست‌آوردن یک لقمه نان خالی. بین این راه برای رسیدن به معیشت روزانه بارها مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. قبل از ۱۷اکتبر نزدیک به ۶۰هردصد کودکان این باریکه دچار کم‌خونی بودند. روزنامه عبری‌زبان هار‌نص در توصیف این باریکه‌نوشته بود که در پی تحریم‌هایی که دولت اسرائیل علیه غزه قرار اعمال کرده، این منطقه به بزرگ‌ترین زندان انفرادی در جهان تبدیل شده است. درست چند سال قبل از جنگ در اکتبر ۲۰۱۷، سازمان بهداشت جهانی گزارش داد که تنها ۵۵۵درصد از درخواست‌های ترک غزه برای درمان پزشکی پذیرفته شد. همین موارد نشان‌دهنده یک فاجعه بزرگ در این باریکه بوده؛آینشانی از خسوف‌تلاطم علیه مردم غزه که عملیات طوفان الاقصی بخش کوچکی از بیرون‌زدگی مصائب این مردم است؛ مردمی که برای نشان‌دادن اعتراض ۵۰ساله خود دست به عملیات زدند تا دنیا بداند که آنها هستند و از این آوارپاید بزرگ خسته شده‌اند و نسبت به آن معترض‌ند.

در جست‌وجوی فراتر از دانش

روزنامه رسالت در یادداشتی به مناسبت روز دانشجو نوشت: در فضای امروز کشور، بازگشت به تعریف اصیل «دانشجو» بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد، زیرا دانشجو در منطق تمدن اسلامی و نیز در تجربه جهانی، تنها یک «تحصیل‌کننده» نیست، بلکه موتور پیشران تغییرات اجتماعی، فرهنگی و علمی است؛ نیرویی که اگر در ست‌فهمیده و درست پرورش داده شود، ظرفیت ساختن فردای کشور را دارد. دانشجو باید «دانش‌جو» باشد، اما نه فقط جوینده دانش، بلکه حقیقت‌طلب، ناقد، خلاق و در جست‌وجوی ریشه‌ها، نه‌رنگ‌فشار سطح‌نگری و موج‌سواری. این هویت، صرفاً با چند واحد درسی شکل نمی‌گیرد؛ با تربیت،مسئولیت‌پذیری و مواجهه باواقعیت‌هاشکل می‌گیرد. عدالت‌طلبی نیز کزن تخیلی‌ناپذیر دانشجوئی است. دانشجو باید هم در دفاع از عدالت فعال باشد و هم در حفظ انصاف، این عدالت‌طلبی واقعی وقتی متولد می‌شود که دانشجو از اسارت جناح‌هابیرون بیاید و معیارش را حقیقت قرار دهد. دانشجو باید امیدوار باشد،امید از جنس تحلیل،نه از جنس شعار. امید، ثمره فهم مسیری و منابع است. امید بدون تحلیل، خوش‌بینی بی‌ثمر است؛ تحلیل بدون امید، تبدیل به بدبینی فلج‌کننده می‌شود. تعادل این دو است که دانشجو را نیروی سازنده کشور می‌کند. علاوه بر این صفات، دانشجو باید اهل گفت‌وگو باشد، توان نقد و پذیرش نقد داشته باشد، به پیچ‌وخم‌های حکمرانی آگاه شود، از تاریخ درس بگیرد و به اقتضانات علم‌روز مجهز باشد. دانشگاه‌ها باید بستر این صفات را فراهم کنند؛ با آزادسازی ظرفیت گفت‌وگو، ایجاد فضا برای تشکل‌ها، احترام به تفاوت دیدگاه‌ها و تربیت نسلی که نه از نقد حاکمیت‌بترسد و نه اسیر بازی‌های جناحی شود. دانشگاه باید محیط تولید فکر باشد و نه بازتولید کلیشه. باید به دانشجو فضایی امن بدهد تا بتواند پرس،سند، نقد کند و بیاورد. آینده کشور وابسته به نسلی است که باید با عقلانیت، شجاعت و اخلاقی تربیت شود.

باز تولید «اعتماد» و «انسجام» در میدان دانشگاه

روزنامه صبح‌روز در یادداشتی نوشت: رویدادهای روز دانشجو در سال ۱۴۰۴، صحنه‌هایی به‌یادماندنی از پیوند نسل جوان با آرمان‌های انقلاب و نظام را به تصویر کشید. در فضای پس از جنگ ۱۲روزه، دشمن تمام تلاش خود را برای ایجاد شکاف و دودستگی در بدنه جامعه، به‌ویژه در میان نخبگان و دانشگاهیان، به کار گرفت. اما دانشگاه‌های ایران، همچون تزلزل‌ناستوار، نه تنها در برابر این طوفانه‌ها ایستادند که جلوه‌گاهی از همبستگی ملی و وفاداری آگاهانه شدند. یکی از صحنه‌های گویا و نمادین، «سلام نظامی» دانشجویان دانشگاه آزاد کرج در مراسم روز دانشجو بود. این حرکت، فراتر از یک اقدام احساسی، کنشی سیاسی و نمادین بود که پیوند دانشگاهی با دانشگاه را با ارزش‌های دفاع مقدس و آرمان‌های نظام نشان داد. این صحنه، به روشنی بیانگر آن است که دانشجوی امروز، وارث راستین شهیدان ۱۴ اردیبهشت و مرزبندی خود را با دشمن به خوبی می‌شناسد. حضور گسترده و صمیمی مسئولان ارشد نظام در دانشگاه‌ها در این ایام، گواه دیگری بر این پیوند عمیق است. این تعامل مستقیم و بی‌پرده، فضای اعتماد متقابل را تقویت می‌کند و توهم دشمن مبنی بر جدایی دانشگاه از حکومت را در هم می‌شکند. همین رابطه دوطرفه، امید به اصلاح تدریجی ساختارها را افزایش می‌دهد و امکان می‌دهد که نخبگان جوان احساسی کنند در سرنوشت کشور سهم و نقش دارند. در نهایت، آنچه اهمیت دارد تبدیل این الگوی «وفاداری نفاذانه» به یک گفتمان پایدار در سطح ملی است؛ گفتمانی که بتواند مرز میان نقد و تخریب را روشن نگه دارد و به‌زمان انرژی خلاق نسل جوان را به‌سوی آینده‌سازی هدایت کند.



روزنامه جوان | شماره ۷۴۷۱ | دوشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی:

باور «ایران ضعیف» را جریان فتنه به دشمن منتقل کرد

بزرگداشت حماسه ۹دی باید به درک عمیق‌تر فتنه‌شناسی و تهدیدشناسی کمک کند

و یکی از اهداف مهم این مناسبت، ارتقای سطح هوشیاری در حوزه تهدیدشناسی و فتنه‌شناسی است



میان فتنه ۱۳۸۸ و جنگ تحمیلی ۱۲روزه هیچ تفاوت ماهوی وجود ندارد؛ هر دو با هدف براندازی طرحی شدند، هر چند شکل اجرا متفاوت بود. در هر دو مورد، دشمن به دنبال کشاندن بحران به داخل کشور و پیوند زدن آن با ناآرامی‌های اجتماعی و اقدامات مسلحانه بود.

علی محمد نائینی، رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی در نخستین نشست ستاد مرکزی بزرگداشت حماسه ۹دی در سال جاری، با بیان اینکه تقابل حق و باطل همیشگی و مستمر است، تأکید کرد: شکل، ابزار و روش‌های این تقابل در طول زمان تغییر می‌کند، اما هدف دشمن همواره براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است. وی با اشاره به رویکردهای مختلف در تحلیل حوادث تاریخی گفت: یک رویکرد، توصیف وقایع برای جلوگیری از تحریف است، رویکرد دوم، تبیین علل و چرایی حوادث است و مهم‌ترین رویکرد، نگاه آینده‌نگر و عبرت‌گیری از حوادث تاریخی برای امروز است.

نائینی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در جلسات ستاد بزرگداشت ۹دی افزود: رهبر انقلاب تأکید دارند که باید به روح حوادث و عناصر شکل‌دهنده آن توجه شود و تکلیف ما در تبیین هدف و فلسفه برگزاری این مناسبت کاملاً روشن است.

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی فتنه سال ۱۳۸۸ را یک طرح خطرناک، پیچیده، سیاسی، امنیتی و براندازانه توصیف کرد و گفت: دشمن در آن تصور کرد جمهوری اسلامی فروپاشی از درون ممکن نیست. جریان‌های

فناوری و منافع حیاتی آمریکا باشد. این نگاه، بیشتر تدافعی و محافظه‌کارانه است و نشان می‌دهد که واشینگتن دیگر قادر به ایفای نقش یک‌تاز جهانی نیست.

بحران‌های اقتصادی مانند رکود سال ۲۰۰۸، افزایش بدهی عمومی، فرسایش طبقه متوسط و نابرابری گسترده، نشان می‌دهند که آمریکا نه تنها در عرصه خارجی شکست خورده بلکه پایه داخلی قدرت خود را نیز ضعیف کرده است. رقابت با چین و روسیه که در بسند به‌عنوان چالش اصلی معرفی شده، عملاً به ناکامی واشینگتن ختم شده است. حتی در اروپا، متحدان سنتی خسته و با مشکلات اقتصادی و سیاسی دست‌وپنجه

باینگر افول قدرت و محدودیت‌های ساختاری آمریکا در عرصه جهانی است. در دو دهه اخیر، واشینگتن بارها در افغانستان، عراق، لیبی و به‌صورت کلی، غرب آسیا شکست خورده و چند ترلیون دلار منابع اقتصادی و انسانی را از دست داده است. جنگ طولانی افغانستان که با وعده ایجاد ثبات و دموکراسی آغاز شد، پس از ۲۰سال به خروج بدون دستاورد ملموس ختم شد. شکست‌های مختلف، هزینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عظیمی بر واشینگتن تحمیل کرده و شکاف‌های داخلی را عمیق‌تر کرده است. این سند تأکید می‌کند که جهان امروز مجموعه‌ای از تهدیدها است و نه فرصت‌ها و تمرکز واشینگتن باید بر حفاظت از خاک، مرزها، بازسازی صنعتی،



سرویس سیاسی، ۹۰۰۸۵۲۳۰

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی:

باور «ایران ضعیف» را جریان فتنه به دشمن منتقل کرد

بزرگداشت حماسه ۹دی باید به درک عمیق‌تر فتنه‌شناسی و تهدیدشناسی کمک کند

و یکی از اهداف مهم این مناسبت، ارتقای سطح هوشیاری در حوزه تهدیدشناسی و فتنه‌شناسی است

وا از آن درس گرفته شود. نباید اجازه دهیم آن اقدام خطرناک دشمن تقلیل داده شود. آنچه اتفاق افتاد، یک پروژه براندازی بسیار پیچیده و خطرناک بود. وی افزود: بزرگداشت حماسه ۹دی باید به درک عمیق‌تر فتنه‌شناسی و تهدیدشناسی کمک کند و یکی از اهداف مهم این مناسبت، ارتقای سطح هوشیاری در حوزه تهدیدشناسی و فتنه‌شناسی است. همه مسئولان محترم ستاد بزرگداشت حماسه ۹دی در استان‌ها باید تلاش کنند این تراز را در برنامه‌های خود افزایش دهند. رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی با اشاره به استمرار جریان فتنه گفت: عناصر غیرانقلابی و کسانی که با میانی انقلاب مشکل دارند، قدرت انقلاب را بساو ندارند و مروج هرزونی غرب هستند، همچنان به فتنه‌انگیزی ادامه می‌دهند و دست از مقابله با نظام برنمی‌دارند. دشمن در سال ۱۳۸۸ گمان می‌کرد می‌تواند انتخابات را به پنهان‌الگوی انقلاب‌های رنگی به آشوب بکشد، در حوادث مشابه نیز همین الگو دنبال شده است.

■ **دشمن بین دعوای انتخاباتی و توطئه دشمن فرق می‌گذارد**

نائینی با تأکید بر ضرورت تبیین نقش مردم و رهبری در حوادث بزرگ کشور خاطرنشان کرد: ما باید در تبیین نقش رهبری و نقش مردم در حوادث مهم، از جمله فتنه ۱۳۸۸ و جنگ اخیر، ابعاد شخصیت ملت ایران را آشکار و جایگاه و نقش ولی‌فقیه و نقش مقام معظم رهبری را به‌درستی تبیین کنیم. این مهم‌ترین کاری است که فرصت مناسبی مانند بزرگداشت حماسه ۹دی در اختیار ما قرار می‌دهد.

وی ملت ایران را راهی مقتدر، با عزت، شجاع و دشمن‌شناس توصیف کرد و گفت: ملت ایران به‌خوبی بین دعوای انتخاباتی و توطئه دشمن فرق می‌گذارد. این ملت با وجود مشکلات معیشتی، فرهنگی‌ها و اعتقادات، میان اعتراض و شورش تفاوت قائل است و مرز خصومت با دشمن را به روشنی تشخیص می‌دهد.

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت یوم‌الله ۹دی افزود: ملت ایران تانکون در تشخیص درست و بموقع و در اقدام درست و بموقع به‌خوبی عمل کرده است و نمونه‌های فراوانی از این رفتار درست در تاریخ معاصر کشور وجود دارد. رهبر معظم انقلاب در جنگ اخیر تأکید کردند که ملت ایران دارای عزت، عظمت، شجاعت و روحیه مقاومت است و هرگز تسلیم دشمن نمی‌شود. ایشان در سال ۱۳۸۸ نیز حرکت عظیم مردم در ۹دی را نشانده رشد، عظمت و وقت‌شناسی ملت ایران دانستند.

نائینی با بیان اینکه این نکات باید به‌طور جدی در برنامه‌های بزرگداشت ۹دی تبیین شود، گفت: ما خدا را شاکرم که دشمن ما دشمنی متوهم است و همین توهم، فرصت‌های فراوانی برای قدرت‌سازی و شناخت نقاط ضعف در اختیار ما قرار می‌دهد. باید از این مناسبت‌ها برای افزایش ظرفیت‌های کشور در حوزه قدرت نرم و سخت و در همه ابعاد قدرت استفاده کنیم.

امریکای خسته و شکست خورده

از رژیم اسرائیل و حفاظت از خطوط انرژی، تنها اولویت‌های واشینگتن هستند و توان یا تمایل برای مداخله گسترده در سوریه، عراق یا مپار ایران وجود ندارد. شکست‌های دو دهه اخیر در منطقه، همراه با قدرت‌گیری بازیگران مستقل نشان می‌دهد که آمریکا قادر نیست نظم منطقه‌ای را به شکل گذشته مدیریت کند. کاهش نیروهای نظامی و اعتسالت بار به متحدان منطقه‌ای مانند عربستان و امارات، نمادی از افول عملی قدرت هژمونیک است و سند جدید نیز به‌صراحت این محدودیت‌ها را از آمریکا باز می‌دهد. سند جدید تصویری از آمریکا ارائه می‌دهد که از توانایی مدیریت جهانی فاصله گرفته و تمرکز بر داخل و منافع ملی را تنها گزینه عملی می‌داند.

بازسازی صنایع، کنترل مرزها و تقویت امنیت اقتصادی بیشتر نمایشی از مقابله بابحران‌های داخلی است تا ابزار واقعی برای حفظ جایگاه جهانی. این عقب‌نشینی تدریجی در کنار شکست‌های نظامی، ناکامی در مهار چین و روسیه و بحران‌های اقتصادی داخلی، نشان می‌دهد که آمریکا وارد مرحله‌ای شده که نمی‌تواند بدون هزینه‌های عظیم، کنشگری جهانی داشته باشد. به نظر می‌رسد استراتژی این کشور، تسخیر مناطق مرزی و استفاده از نفوذ خارجی به وسیله چین و روسیه، محدود شود، اما واقعیت نشان می‌دهد که آمریکا با ابزار محدود اقتصادی و دیپلماتیک تنها توان مدیریت نسبی دارد و دیگر کنترل مطلق ندارد. در غرب آسیا، کاهش اهمیت و محدود شدن اهداف آمریکا آشکار می‌شود. حمایت

خیبر

وزیر دفاع:

واقعیت ایران با تصویرسازی غرب گریبان متفاوت است

واقعیت پیشرفت ایران با تصویرسازی غرب گریبان متفاوت است. امیر سرتیپ خلیان عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طی سخنانی در دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر با مرور تحولات پس از جنگ جهانی دوم و روند شکل‌گیری قدرت ایالات‌متحده اظهار داشت: آمریکا با سوءاستفاده از شرایط جهانی و موقعیت جغرافیایی و نفوذ در نهادهای بین‌المللی، ساختاری تمامیت‌خواه ایجاد و بعدها با توسعه قدرت دریایی خود اعلام کرد باید در همه اقیانوس‌ها حضور داشته باشد. این رویکرد، ماهیت واقعی استکبار را نشان می‌دهد.

وزیر دفاع با اشاره به نمونه‌های معاصر دخالت‌های آمریکا گفت: از کشورهای منطقه تا وکراین هر جا آمریکا ورود کرده، نتیجه آن فشار، جنگ و فریب افکار عمومی بوده است و در منطقه هم رژیم‌صهیونیستی ابزار اجرای سیاست‌های امریکاست؛ پایگاهی که آمریکا برای تحقق اهداف تمامیت‌خواهانه خود در منطقه ایجاد کرده است.

وزیر دفاع در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران گفت: تنها کشوری که پاسخ‌دندان‌شکن به رژیم‌صهیونیستی داد، جمهوری اسلامی ایران بوده؛ رژیمی که اگر بر جایی مسلط شود، نه عقب‌نشینی می‌کند و نه آتش‌بس می‌پذیرد، مگر زمانی که مجبور شود و البته قدرت نظامی، دفاعی و علمی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲روزه باعث آسیب جدی به این رژیم شد، به نحوی که این رژیم تقاضای آتش‌بس کرد و این نشان‌دهنده توان و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است. نصیرزاده با اشاره به تمدن ریشه‌دار ایران که هرگز سلطه‌پذیری را نپذیرفته است، افزود: آمریکا ذاتاً مستکبر است و جمهوری اسلامی ایران ذاتاً استقلال‌طلب.

این دو ماهیت با یکدیگر در تعارض ذاتی قرار دارند. تسلیم‌شدن هیچ‌گاه با هویت جمهوری اسلامی، با تاریخ ایران و با ملت ایران سازگار نبوده است. وزیر دفاع در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به ضرورت مواجهه علمی و منطقی دانشجویان با شبهات گفت: امروز در فضایی قرار داریم که هر موضوعی باید بررسی و افتاح شود. دانشجویان باید ببینند آیا واقعاً تصویر مطلق که برخی ترسیم می‌کنند با واقعیت منطبق است یا نه. نصیرزاده با هشدار نسبت به تلاش دشمن برای «هویت‌زدایی از دانشگاه‌ها» گفت: دشمن به دنبال آن است که هم هویت علمی دانشجو مخدوش شود و هم استحاله فکری صورت بگیرد تا نتواند تصمیم درست بگیرد.

یادداشت‌نویس‌ها

داود کوردری

از همدلی مردمی

ناقد در خشش‌های تو خالی

در شب‌های پرستاره این سرزمین، مردمانی با چشمان پرامید، ستارگانی را در دل تاریکی بیرون می‌کشند، با هیجان و اشتیاق، بلیت کسرت‌ها و قسیرت‌ها تهیه می‌کنند، جوان‌ها در صحنه‌ای با پان، نام‌شان را فریاد می‌زنند، اما ای کاش این ستاره‌ها، پیش از آنکه در گرداب فلاش‌ها و تجملات گم شوند، لحظه‌ای به یاد بیاورند: درخشش‌شان، از همین مردم است؛ مردمی که آنها را از خاک به قله‌های شهرت می‌برند. هدف از نوشتن این فرق میان ستارگان واقعی و آنهایی است که فقط می‌درخشند و به هیچ وجه جسارت یا سلبریتی‌هایی نیست که واقعاً با تلاش و کوشش، تمام توان خود را در راستای کمک به هموطنان عزیز به کار گرفته‌اند و مردم به‌خوبی آنها را می‌شناسند و قدران‌شان هستند. آن کسانی که سر به مرکز درمانی می‌زنند، در آزادی زندانیان سرپرست خانوار یاری‌رسان می‌شوند، به محرومان دست‌پاری دراز می‌کنند و با عمل‌شان، در کشور بذرا امید و همدلی می‌کارند.

روی صحنیت من با آنهایی است که فقط با ژست‌های لاچاپری، به فکر منافع شخصی و فخر فروشی هستند؛ کسانی که با ماشین‌های گران‌قیمت در خیابان‌ها دورور می‌کنند، اوقات‌خود را در دستوران‌های آنچنانی سیری، در اینستا پخش و کالاهای بی‌ارزش را تبلیغ می‌نمایند. اینها نه ستاراند که سایه‌ای بر آسمان وطن دوستی‌اند. وطن نه صحنه‌ای برای نمایش که میدانی برای ایستادگی و همدلی و همبستگی است. همدلی و همبستگی‌ای که من در دل جنگ ۱۲روزه شاهد آن بودم، آن روزهایی که قلب وطن به تپش افتاد و مردمان، همچون ستارگان پنهان درخشیدند.

از پیرمرد کشاورز روستایی که با دست‌های پینه‌بسته‌اش، محصولات کشاورزی خود را در کنار جاده قرار داده بود و به مسافران خسته از راه، هدیه می‌داد؛ هدهای از جنس خاک و عشق، نه از جنس زرق و برق. اینها شهربانی نیستند، این عشق و بی‌منتی، در اختیار مسافران قرار می‌گرفت؛ از ورودی شهرهایی که مردم با روی گشاده و لبخندی گرم استقبال می‌کردند و مکانیک‌هایی که در جاده‌ها، دوبل‌طبله امداد می‌رساندند و خر‌های خسته را دوباره به حرکت درمی‌آوردند. این صحنه‌ها، اشک را بر گونه‌مان جاری می‌کرد؛ اشکی از شوق به مردمی که در سختی، همدیگر را بغل می‌کنند. ای کاش این سلبریتی‌ها بی‌غم و خودخواه، این همدلی را ببینند و شرم کنند از دورودرهای بی‌معنا و فخر فروشی‌های تو خالی‌شان.

این مردمان، قهرمانان واقعی هستند؛ همان‌هایی که وطن را با دست‌های خالی، اما دل‌های پرامید، پاس می‌دارند. در میان این ستارگان، ورزشکارانی هستند که در میدان‌های ورزشی جهانی می‌درخشند؛ اینها که سال‌ها با سختی‌های طاقت‌فرسا، بر سکوهای قهرمانی می‌نشینند. تصور کنید آن لحظه‌ای که عرق خستگی بر پیشانی‌شان می‌نشیند، اما دست‌شان را بر قلب می‌نهند و به پرچم سرنگ وطن بوسه می‌زنند یا در وقت پخش سرود ملی، با سلامی محترمانه، عشق‌شان به ایران را فریاد می‌زنند.

اینها نه رست‌های گذرا که نماد وطن‌دوستی هستند؛ قهرمانانی که با هر مدال، نه تنها افتخار شخصی که غرور جمعی را به ارمان می‌آورند. آنها از دل مردمی برآمده‌اند که شب‌ها را با دعا برای‌شان سپری و در مقابل با ایستادگی‌شان، کشور را سربلند می‌کنند.

فرق این قهرمان با سلبریتی‌هایی که ماشین‌های به‌روز در خیابان‌های پرزرق‌وبرق دورور می‌کنند و با لباس‌های مد‌روز به هموطنان‌شان فخر می‌فرشند، همچون روز و شب است. آن ورزشکاران با هر گام‌سخت در مسیر تمرین، به یاد دارند که برای کشور می‌جنگند، نه آنان که فقط در آینه‌ها شهرت خیره می‌شوند. این فخر فروشی‌های بیجا، زخمی تلخ بر دل مردمی است که شمارا بر دوش کشیدند؛ مردمی که در برابر هجوم بی‌رحمانه به استقلال وطن، با همبستگی و دست در دست هم، از مرزهای خاکی و هویتی‌اش دفاع می‌کنند. در این میان، تقدیر مرا از قهرمانان کشورم، از شهدهای هسته‌ای که در سکوت آزمایشگاه‌ها سوختند تا آینده‌ای روشن برای ما بسازند و از سربازان و سردارانی که در سکوت خبری جنگ ۱۲روزه به شهادت رسیدند، فریاد می‌زنم. آنها در خط مقدم، با دست‌های خالی اما دل‌های پرامید، وطن را پاس داشتند، نه برای مدال یا فلاش دوربین‌ها که برای خاکی که مادرشان را در آغوش گرفته بود. وطن، میدانی است که قهرمانان واقعی در آن جان می‌دهند، نه صحنه‌ای برای نمایش‌های خودخواهانه.